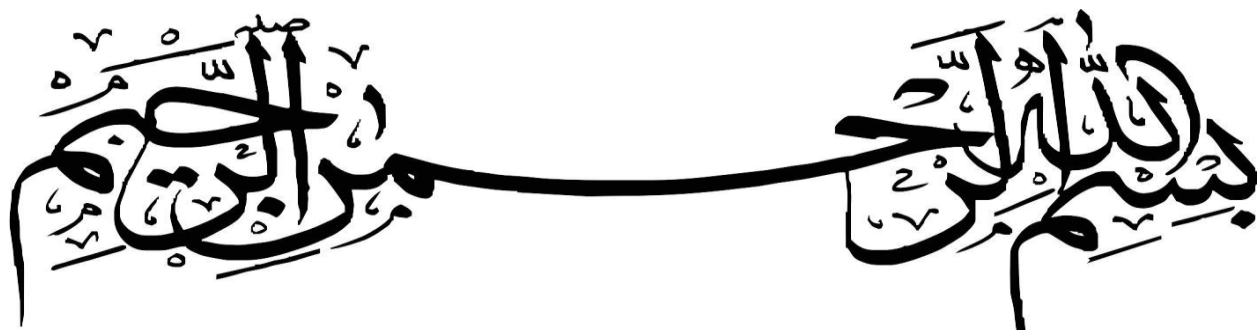




نمونه سوالات تالیفی و نهایی درس هشتم

فلسفه یازدهم انسانی

(نگاهی به تاریخچه معرفت)

تهیه و تنظیم

سید احمد صمدانی

استان آذربایجان شرقی

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی به.....باز می گردد، اما به صورت مطرح نبوده است.
- ۲- پارمنیدس از فیلسوفان..... از سقراط در یونان باستان، تنها برای شناخت.....ارزش قائل بود.
- ۳- هراکلیتوس شناخت.....را معتبر می دانست.
- ۴- سوفسطائیان به دلیل مغالطه هایی که برای آن ها رخ داده بود ، اصل.....شناخت واقعیت را زیر سوال برده بودند.
- ۵- سوفسطائیان در امکان شناخت واقعیت قائل بهحس و عقل بودند.
- ۶- پروتاگوراس طرز تلقی..... را در باره شناخت حسی و عقلی داشت.
- ۷- پروتاگوراس معتقد بود:..... همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد
- ۸- افلاطون معتقد به عالمی به نام.....بود که این عالم..... آن شمرده می شود.
- ۹- به نظر افلاطون اگر انسان به عالم مثل راه یابد می تواند.....آن را نظاره کند.
- ۱۰- افلاطون با تعیین حدود توانایی شناخت و شناخت، آن ها را معتبر می دانست.
- ۱۱- فارابی و ابن سینا از فیلسوفان مسلمان مانند افلاطون و ارسطو.....و.....معتبر می دانستند.
- ۱۲- فارابی و ابن سینا برای شناخت..... هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به دارد.
- ۱۳- شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ..... علاوه بر فلسفه، درنیز شخصیتی مهم به شمار می رود.
- ۱۴- ملا صدرا ی شیرازی فیلسوف بزرگ قرن یازدهم راه...تکمیل کرد و در نظام فلسفی خود از همه ابزارهای..... بهره برد.
- ۱۵- کسی که در استفاده از تمام ابزار های شناخت در تدوین نظام فلسفی خود توفیق کامل یافت.....بود.
- ۱۶- دوره جدید فلسفه در اروپا از آغاز قرن شانزدهم و با پیشگامیو.....آغاز می شود.
- ۱۷- از قرن شانزدهم به بعد در اروپا و با شروع دوره جدید فلسفه، د رکانون مباحث فلسفی قرار گرفت.
- ۱۸- از نخستین فیلسوفان در فلسفه دوره جدید اروپا که بهاصرار می ورزید، بیکن بود.

-دکارت بهاهمیت می داد و معتقد بود انسان به طور معرفت هایی دارد که آن ها را با.....درک می کند.

۲۰- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید نشان دهد که معرفت حاصل همکاری.....و.....است.

۲۱- تلاش.....برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان، به پیدایش دیدگاه های جدیدی در..... غرب منجر شد.

۲۲- اصطلاح «پوزیتیویسم» را اولین بارفیلسوف فرانسوی قرناستفاده کرد.

۲۳-ظهور جریان.....دراروپا به جهت مشکلاتی بود که در نتیجه به حاشیه رفتن استدلال عقلی و توجه خاص به

تجربه، شکل گرفت.

۲۴-پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و هنر وارد می شودو.....را به دنبال دارد.

۲۵- ویلیام جیمز از مدافعان اصلی.....و به عبارتی بنیان گذار این مکتب فلسفی بود.

۲۶-پراگماتیسم ها معتقدند هدف ما کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند..... هستیم که در عمل به کار ما بیایند

و سودمندی خود را نشان دهند.

۲۷- ویلیام جیمز و برگسون از جمله کسانی هستند که بهو.....معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.

۲۸-دکارت معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند.....و.....

***پاسخنامه ۱-یونان/مستقل ۲-پیش از/عقلی ۳-حسی ۴-امکان ۵-بی اعتباری ۶-سوفسطائیان ۷-حقیقت ۸-**

مُثُل /سایه ۹-حقایق ۱۰-حسی /عقلی ۱۱-حس-عقل ۱۲-و حیانی /پیامبران ۱۳-اشراق -عرفا ۱۴-شیخ اشراق-شناخت ۱۵-

ملا صدرا ۱۶-فرانسیس بیکن-دکارت ۱۶-معرفت شناسی ۱۸-حس و تجربه ۱۹-تفکر عقلی/ذاتی/عقل ۲۰-عقل/حس ۲۱-

کانت-معرفت شناسی ۲۲-اوگوست کنت-هجدهم ۲۳-نسبی گرایی ۲۴-نتایج و تبعاتی ۲۵-پراگماتیسم ۲۶-باورهای

مفید ۲۷-شهود عرفانی/تجربه دینی ۲۸-اعتقاد به نفس مجرد / وجود خدا

۲۹- پارمینیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، از کسانی بود که شناخت حسی را معتبر می دانست.

۳۰- هراکلیتوس معتقد بود شناخت حسی معتبر است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشت. چون حرکت قابل مشاهده حسی است.

۳۱- سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی شدند که نه از راه حس و نه راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.

۳۲- از نظر افلاطون، گرچه عقل اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است.

۳۳- پارمینیدس اعتقاد داشت که اشیاء، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

۳۴- ابن سینا دیرکی از کتاب های خود که به تبیین عرفان می پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید.

۳۵- سهروردی بر معرفت عقلی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین شهودی کند.

۳۶- ملاصدرا همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأییدکننده یکدیگرند.

۳۷- ملاصدرا معتقد است: عقل و دین در همه احکام خود باهم تطبیق دارند.

۳۸- شیخ اشراق معتقد است: افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

۳۹- برخی فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند.

۴۰- فلاسفه اسلامی علاوه بر حس و عقل، معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.

۴۱- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان، معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند.

۴۲- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند تجربه گرایان بودند.

۴۳- گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به عقل گرایان مشهور شدند.

۴۴- به نظر دکارت فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر برا استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی درخراافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود.

۴۵- بیکن معتقد بودانسان به طورذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد.

۴۶- کانت: قوّه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان وعلیّت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست می آورد.

۴۷- از نظر پوزیتیویست ها، اموری که از طریق شهود قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند.

۴۸- به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق عقل به اومیرسد، در قالب مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیّت قرار می دهد و درک می کند.

۴۹- افلاطون شهود قلبی را هم باور داشت و معتقد بود که دیگر فیلسوفان آن عالم برتر را مشاهده کرده است.

۵۰- به نظر ارسطو عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

۵۱- فارابی و ابن سینا برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند.

۵۲- فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند و آن را در تبیین فلسفی خود وارد کردند.

۵۳- تأکید جان لاک بر تجربه گرایی از آن جهت اهمیت داشت که دردوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد.

۵۴- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی است.

۵۵- برگسون اصطلاح پوزیتیویسم را برای اوّلین بار استفاده کرد.

۵۶- از نظر پراگماتیسم ها شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

۵۷- ویلیام جیمز وهانری برگسون از فیلسوفان تجربه گرایی هستند به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.

- پراگماتیست ها معتقدند گرچه تنها ابزار شناخت اشیا، حس و تجربه نیست اما از طریق تجربه می توان به واقعیت اشیا رسید.

۵۹- از نظر پراگماتیست ها نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهایی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند

*جواب ها: ۲۹- غ ۳۰- ص ۳۱- ص ۳۲- غ ۳۳- غ ۳۴- ص ۳۵- غ ۳۶- ص ۳۷- ص ۳۸- غ ۳۹- غ ۴۰- ص ۴۱- ص ۴۲-

ص ۴۳- ص ۴۴- غ ۴۵- غ ۴۶- غ ۴۷- غ ۴۸- غ ۴۹- غ ۵۰- ص ۵۱- ص ۵۲- غ ۵۳- ص ۵۴- ص ۵۵- غ ۵۶- غ ۵۷- ص

۵۸- غ ۵۹- ص

۶۰- هر یک از گزینه های ستون راست بایکی از گزینه های ستون چپ منا سبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟ (یک مورد

اضافی است)

- | | |
|---|-------------------|
| الف- تلاش برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان | ۱- پارمیندس |
| ب- عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند | ۲- سوفسطائیان |
| ج- دسترسی به معرفت شهودی از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی | ۳- افلاطون |
| د- شناخت حسی نامعتبر است پس حرکت وجود ندارد | ۴- شیخ اشراق |
| ذ- ابزار حسی توانایی درک این جهان را به انسان می دهند نه جهان برتر | ۵- ملا صدرا |
| ر- پایه بحث های علمی و فلسفی خودراییوندمیان عقل، کشف و شرع گذاشت | ۶- علامه طباطبایی |
| ز- حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد | ۷- بیکن |
| ق- از نخستین فیلسوفانی که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید | ۸- دکارت |
| و- انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آن ها را با عقل درک می کند | ۹- کانت |
| ی- به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند. | |

*جواب: ۱/د ۲/ز ۳/ذ ۴/ج ۵/ر ۶/ب ۷/ق ۸/و ۹/الف

۶۱- هر یک از گزینه های ستون راست بایکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟ (یک

مورد اضافی است)

- | | |
|----------------|---|
| الف- هراکلیتوس | ۱- منکر وجود حرکت |
| ب- پارمیندس | ۲- تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. |
| ج- اثبات گرایی | ۳- شناخت حسی را معتبر می دانست. |
| د- شناخت عقلی | ۴- سهرودی بر این معرفت تاکید بسیاری داشت. |
| و- معرفت شهودی | ۵- پوزیتیویسم |
| ی- اصالت عمل | ۶- پراگماتیسم |
| ق- شهود تجربی | |

@جواب: ۱/ب ۲/ب ۳/الف ۴/و ۵/ج ۶/ی

۶۲- در اولین دوره معرفت شناسی در یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح و..... شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

(۱) بود-ارزش-واقعیت (۲) نبود-ارزش-واقعیت (۳) نبود-امکان-واقعیت (۴) بود-امکان-واقعیت

۶۳- کدام مطلب، به ترتیب تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد شناخت را به روشنی بیان می کند؟

(۱) شناخت حسی معتبر است-شناخت عقلی معتبر نیست. (۲) شناخت حسی معتبر نیست- فقط شناخت عقلی معتبر است.

(۳) شناخت حسی معتبر نیست- شناخت حسی معتبر است (۴) شناخت حسی معتبر است- شناخت عقلی معتبر است.

۶۴- کدام مطلب ، تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد حرکت را به روشنی بیان می کند؟

(۱) پارمیندس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.

(۲) هراکلیتوس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.

(۳) پارمیندس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است و شناخت حسی معتبر است.

(۴) هراکلیتوس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت امری عقلی است و شناخت عقلی معتبر است.

۶۵- باتوجه به نظر ملاصدرا کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟

(۱) نمی توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد زیرا فلسفه مطابق با کتاب و سنت خداوندی نیست.

(۲) تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی تایید کننده یکدیگرند.

(۳) عقل و دین در همه احکام با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد.

(۴) می توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد.

۶۶- براساس اندیشه های کانت کدام درست نیست؟

(۱) معرفت حاصل همکاری عقل، حس و امور وجدانی و شهودی است.

(۲) قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

(۳) کانت نشان داد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

(۴) به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به اومی رسد، در قالب مفاهیم ادراکی قرار می دهد و درک می کند.

۶۷- براساس فلسفه اثبات گرایی یا پوزیتیویسم، شناختی معتبر و اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که.....

(۱) قابل ارزیابی شهودی نبوده اما با کمک عقل عملی و اخلاقی وجدانی اثبات شده است.

(۲) قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند؛ وبا استفاده از روش تجربه اثبات شوند.

(۳) با بررسی محققانه فیلسوفان به اثبات رسیده باشد.

(۴) قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند.

۶۸- معیار مکتب پراگماتیسم برای درستی یک گزاره چیست؟

(۱) مطابقت با واقع (۲) مفید بودن برای زندگی (۳) سازگاری درونی با محیط (۴) سازگاری بیرونی با محیط

@جواب سوالات تستی: ۶۲- (گزینه ۲) ۶۳- (گزینه ۳) ۶۴- (گزینه ۱) ۶۵- (گزینه ۱) ۶۶- (گزینه ۳) ۶۷- (گزینه ۲) ۶۸-

گزینه ۲)

@سوالات پاسخ کوتاه

۶۹- چهار دوره تاریخ فلسفه را فقط نام ببرید؟

۱- دوره یونان باستان ۲- فیلسوفان اروپایی ۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران ۴- دوره جدید اروپا

۷۰- چه مسائلی در بحث «معرفت شناسی» در یونان، نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود؟

ارزش شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

۷۱- پارمنیدس چه نوع شناختی را شایسته اعتنا می دانست چرا؟

شناخت عقلی / او شناخت حسی را به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت عقلی

ارزش قائل بود.

۷۲- به چه دلیل پارمنیدس منکر حرکت بود؟

پارمنیدس معتقد بود حرکت از طریق حس برای مامعلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد.

۷۳- هراکلیتوس برای کدام نوع شناخت اعتبار قائل بود و دیدگاه وی در باره حرکت چه بود؟

هراکلیتوس شناخت حسی را معتبر می دانست و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشت؛ چون حرکت قابل مشاهده حسی

است.

۷۴- دلیل بی اعتبار دانستن شناخت حسی و عقلی از ناحیه سوفسطائیان چه بود؟

سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آن ها رخ داده بود، امکان شناخت واقعیت را زیر سوال برده و مدعی شدند که نه از راه حس و نه از راه عقل نمی توان به حقیقت رسید.

۷۵- نقش سقراط، افلاطون درمجادلات طرفداران عقل و حس چه بود؟

آنها کوشیدند راه های معتبرشناخت و روشهای رسیدن به آن را تبیین کرده و راه های گریز از خطا را هم توضیح دهند.

۷۶- نظر پارمنیدس ربا نظر افلاطون مقایسه کنید و تفاوت آن ها رادرباره ادراک حسی بنویسید؟

پارمنیدس ادراک حسی رابه دلیل خطاهایی که درحس رخ می دهد معتبر نمی داند اما افلاطون ادراک حسی را در شناخت عالم طبیعت(سایه ها) معتبر می داند.

۷۷- آیا افلاطون و ارسطو در معرفت شناسی اختلاف نظر داشتند؟

افلاطون شناخت حقیقی را منحصر به عالم مُثل و به وسیله عقل می داند؛ اما ارسطو به توجیه عقلانی پدیده های طبیعت می پردازد و به دنبال شناخت در عالم طبیعت است.

۷۸-نسبی گرایی به تدریج به چه حوزه های گسترش یافت؟

نسبی گرایی در معرفت شناسی به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۷۹-آیا می توان میان دیدگاه پارمنیدس و افلاطون وجه تشابهی پیدا کرد؟

هر دو ادراک حسی را برای دست یابی به حقایق، بی اعتبار می دانند.

۸۰- سهروردی چه نوع شناختی رامعتبر می دانست ونظام فلسفی خود را بر چه پایه ای بنا نهاد؟

سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد وکوشید آنچه راکه ازطریق اشراق وبه صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه ی آن شهودها بنا نهاد.

۸۱-ارسطو چگونه توانست مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود؟

ارسطو با تدوین منطق گام مهمی دراین زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال وشيوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع دچارشدن انسان ها به سفسطه شود..

۸۲- بدون کدام ابزار شناخت، فلسفه اسلامی اساساً وجود نخواهد داشت؟

معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی توان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

۸۳- در دوره معاصر عموم فیلسوفان اسلامی درباره ابزار شناخت و اعتبار چه دیدگاهی دارند؟

در دوره معاصر عموم فیلسوفان مسلمان این نظر علامه طباطبائی را قبول دارند و معتقدند که عقل وحس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

۸۴- دوجریان فکری که در دوره جدید در اروپا شکل گرفت را نام ببرید؟

تجربه گرایی و عقل گرایی

۸۵- اهمیت تاکید جان لاک بر تجربه گرایی در قرن ۱۷ میلادی چه بود؟

در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد.

۸۶- پیامد و نتیجه تاکید فرانسیس بیکن بر تجربه گرایی چه بود؟

یکی از عوامل توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی شد و زمینه ساز پیشرفت های علمی گردید.

۸۷- دیدگاه ملا صدرا در باره ارتباط «عقل و دین» چیست؟

ملا صدرا در کتاب «مبدأ و معاد» می گوید: «عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت انور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعرض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد».

۸۸- برداشت شما از این سخن ملا صدرا چیست؟

«عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت انور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعرض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد».

جواب: اعتبار شناخت عقلی در کنار شناخت وحیانی و مفید بودن هر یک در جای خود است.

۸۹- چه کسانی به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند؟

ویلیام جیمز و برگسون

۹۰- ملاصدرا پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را بر چه اموری گذاشت؟ نظر علامه طباطبائی را بنویسید.

ملاصدرا پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (قرآن و حدیث) استفاده نمود.

۹۱- چه عاملی سبب پیدایش دیدگاه‌های جدید معرفت‌شناسی غرب از جمله پیدایش مکتب پوزیتیویسم شد؟

تلاش‌های عقل‌گرایان در برابر تجربه‌گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه‌گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد. از این به بعد در میان تجربه‌گرایان دیدگاه‌های جدیدی بروز کرد که یکی از مهم‌ترین آنها پوزیتیویسم اثبات‌گرایی بود.

۹۲- فیلسوفان دوره معاصر اروپا و آمریکا که به شهود معنوی و تجربه دینی معتقد بودند را نام ببرید؟

ویلیام جیمز و برگسون

@سوالات پاسخ کامل

۹۳- چهار دوره تاریخ فلسفه را به اختصار بنویسید؟

۱- دوره یونان باستان که شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو می‌شود؛

۲- فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید در اروپا؛

۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، با ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا؛

۴- دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می‌شود و تا کنون ادامه دارد.

۹۴- اعتقاد پروتاگوراس در باره حقیقت و شناخت چه بود؟

پروتاگوراس اعتقاد داشت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد؛ یعنی هر چیزی برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می‌رود، حتی اگر برای کس دیگر چنین نباشد. بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد. پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیاء هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آید برای تو نیز همان طور است.

۹۵- نظر افلاطون درباره ارزش ابزار حس و عقل چیست؟

از نظر افلاطون ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می‌دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است؛ به همین دلیل از نظر او گرچه حس اعتبار دارد اما از درجه‌ی اهمیت کمتری برخوردار است زیرا صرفاً جهان سایه‌ها را به ما نشان می‌دهد نه آن جهان برتر را.

۹۶- فارابی و ابن سینا چه نوع شناختی را معتبر می دانستند و آیا نظام فلسفی خود را بر آن مستقر نمودند؟

این دوفیلیسوف هم حس را معتبر می دانستند و هم عقل را، همچنین برای شناخت وحیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دوفیلیسوف نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند؛ ابن سینا در یکی از کتابهای خود به تبیین عرفان می پردازد و به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخن نمی گوید.

۹۷- ملاصدرا چگونه توانست میان فلسفه و معرفت وحیانی (عقل و وحی) پیوند مستحکمی برقرار نماید؟

ملاصدرا با بهر مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. وی توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

۹۸- ملاصدرا ی شیرازی در نظام فلسفی خویش از کدام ابزارهای شناخت بهره برد؟

ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است از شهود و اشراق نیز بهره مند است؛ او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

۹۹- پیامدها و نتایج رشد اندیشه نسبی گرایی در معرفت شناسی غرب را بنویسید؟

اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانشهایی شد که بر تجربه و آزمایشهای تجربی استوار بودند؛ دانشهایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی.

۱۰۰- فرانسیس بیکن که بود و چه ابزاری را در شناخت معتبر می دانست؟

بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که براهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته بادناله روی از ارسطو بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود.

۱۰۱- در دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن شانزدهم به بعد، نزاع بر سر چه مسئله ای بود و چه گروه هایی شکل گرفتند؟

در این بحث وجدال فلسفی نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟ گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند آن را اساس کسب معرفت می دانستند به «تجربه گرایان» و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به «عقل گرایان» مشهور شدند.

۱۰۲- دکارت که بود و چه روشی رادرشناخت معتبر می دانستند؟ اختلاف نظراو با بیکن را بنویسید؟

دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آن هارا با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

۱۰۳- تفاوت دیدگاه دکارت و بیکن در بحث معرفت شناسی را بررسی کنید.

دکارت فیلسوف و ریاضیدان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

۱۰۴- «پوزیتیویسم» یا «اثبات گرایی»، چه ابزاری رادرشناخت معتبر می داند؟ (یادیدگاه ها ی پوزیتیویسم یا اثبات گرایی دربارهٔ مباحث معرفت شناسی را بررسی کنید).

از نظر پوزیتیویست ها اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. به اعتقاد ایشان تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند؛ این امور اگر از طریق تجربه اثبات شوند معرفت به حساب می آیند در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند.

۱۰۵- آیا دیدگاه «پوزیتیویست ها در غرب» از طرف تمام فلاسفه حمایت و پذیرفته شد؟

این دیدگاه گرچه مورد نقد بسیاری از فلاسفه اروپایی قرار گرفت و امروزه دیدگاههای دیگری در برابر آن مطرح گردیده است اما در اکثر این دیدگاه ها اصل تجربه گرایی و عدم توانایی عقل در کسب معرفت مستقل از تجربه همچنان غلبه دارد و نظر غالب فلاسفه اروپایی را تشکیل می دهد.

۱۰۶- نسبی گرایان در باره «شناخت» و معرفت شناسی چه اعتقاد و دیدگاهی دارند؟ با مثال بیان کنید.

نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود در بارهٔ امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است؛ بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. مثلاً بر اساس به طور مطلق نمی توان گفت «فلز بر اثر حرارت انبساط پیدامی کند»، بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید «من در این وضعیت فکرمی کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود».

۱۰۷- کانت که بود و کوشش او در طرح دیدگاه جدید، در ادامه چه مسئله ای بود؟ توضیح دهید.

کانت فیلسوف قرن ۱۸م با طرح دیدگاهی جدید کوشید نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنهارا از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت انسان آنچه را از طریق حس به اومی رسد، در قالب این مفاهیم قرار می دهد و درک می کند. برای مثال انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید در می یابد و این دریافت ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که یکی بُعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.

۱۰۸- به سوالات الف و ب پاسخ دهید.

الف- چرا توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی در دوره جدید اروپا، اشکالات نظری متعددی را به وجود آورد؟

ب- نتیجه و پیامد اشکالات مطرح شده چه بود؟

جواب: الف) زیرا اولاً: تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد؛ مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا، وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند، زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه بود. ثانیاً: مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد

جواب: ب) چنین مشکلاتی سبب شده که واقع نمایی دانش تجربی بار دیگر با اشکال روبرو شود و جریانهای دیگر فلسفی (جریان نسبی گرایی) برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شود.

۱۰۹- تحولات حوزه معرفت شناسی از قرن بیست به چه صورتی بوده است؟

در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی از اواسط قرن ۲۰، جریانهای دیگری نیز در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادها و تحولات قبلی به شمار می آید. به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد. البته هنوز هم راه های دیگر معرفت یعنی شهود عرفانی و وحی نیز همچنان طرفدارانی دارد.

۱۱۰- نسبی گرایی در معرفت شناسی در کدام حوزه ها رواج پیدا کرد و به نسبی گرایی در چه مسائلی انجامید؟

نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج در حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین، خود را بیشتر نشان داد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۱۱۱- اعتقاد «پراگماتیسم» یا «اصالت عمل» درباره شناخت و معرفت و ملاک واقعی بودن یک عمل چیست؟ بیان کنید.

پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت؛ آنها میگویند هدف ما کشف واقعیت نیست بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند. مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده به معنای درست بودن است.

□ مقایسه ص ۶۱

- ۱- پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آنرا پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند. پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.
- ۲- افلاطون و ارسطو، هر دو معرفت انسان را دارای ارزش واقع نمایی می دانند و با سوفسطائیان مخالف بودند. هر دو هم برای ادراک حسی و هم عقلی اعتبار قائل بودند. البته افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست و مردم را تشویق به ادراک عقلی می کرد. علاوه بر این، افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.
- ۳- این دو فیلسوف، هر دو، به عالم معقول که عالم ثابت است، اهمیت می دادند و آن را جهان حقیقی تلقی می کردند.

□ تأمل ص ۶۲

- ۱- از نظر شیخ اشراق، طی مدارج عالی در فلسفه با طی مدارج در عرفان ارتباط دارد.
- ۲- او معتقد است که بدون استدلال و بدون نیروی تفکر و تحلیل عقلی، عرفان هم ناقص است و عارفی که فاقد قدرت تحلیل است، یک عارف ناقص است.

□ تشخیص ص ۶۶ و ۶۷

- در گزاره اول قید «به طور کلی» و «نسبت به خودش» حکایت گردیدگاه کلی نسبی گرایی است.
- گزاره دوم با واقع گرایی تضاد ندارد. اما با نسبی گرایی ناسازگار است. زیرا اگر نسبی گرا بپذیرد که انسانها در برخی موارد می توانند نظر یکسان داشته باشند، دیگر اختلافی با واقع گرا نخواهد داشت. آنچه نسبی گرا را از واقع گرا جدا می کند، بیان مطلق او درباره نسبی گرایی است.
- گزاره سوم با گزاره دوم یکسان است، گرچه در بیان متفاوت است.
- گزاره چهارم نیز با گزاره سوم و دوم سازگاری دارد.
- گزاره پنجم با گزاره اول کاملاً سازگار است و لذا با گزاره دوم و سوم و چهارم اختلاف دارد. گزاره پنجم هم بیان دیگری از نسبی گرایی است.

□ به کار بندیم ص ۶۸

- ۱- پارمنیدس: پارمنیدس در بی اعتباری ادراک حسی سخن گفت و در نتیجه وجود حرکت را انکار کرد.
- سوفسطائیان: به طور کلی منکر واقع نمایی هر ادراکی شدند و گفتند که مابه ازای ادراکات ما، چیزی نیست.

افلاطون: افلاطون برای ادراک حسی و عقلی و شهودی، هر سه ارزش قائل بود؛ البته ادراک حسی را پایین ترین و کم ارزش ترین نوع ادراک می دانست.

شیخ اشراق: شیخ اشراق همه مراتب معرفت را قبول داشت. اما توجه ویژه ای به معرفت شهودی کرد. او معرفت عقلی بدون شهود و هم معرفت شهودی بدون عقلانیت را رد می کرد.

ملاصدرا: ملاصدرا نیز همه مراتب معرفت را پذیرفت و تلاش کرد سازگاری آنها با یکدیگر را نشان دهد.

علامه طباطبایی: علامه طباطبایی نیز مانند ملاصدرا همه مراتب و اقسام معرفت را پذیرفت.

بیکن: بیکن برای معرفت حسی و تجربی اهمیت فوق العاده ای قائل بود اما معرفت عقلی را کم فایده می پنداشت.

دکارت: دکارت معرفت عقلی را برتر از معرفت حسی و تجربی می دانست.

اوگوست کنت: مثل سایر پوزیتیویسم ها معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.

۲- پاسخ سوال دوم: سؤال دوم یک سؤال واگراست و پاسخهای مختلفی میتوان به آن داد. یکی از مهم ترین عوامل، تغییرات و تحولاتی بود که در علوم تجربی رخ داد و در برخی موارد نظریات گذشتگان به کلی باطل شد. مثلاً درباره نظام کیهانی، گذشتگان زمین را مرکز عالم می دانستند و معتقد بودند که خورشید به گرد زمین می چرخد، اما این نظریه کلی غلط از آب درآمد.

۳- پاسخ سوال سوم: گزاره اول دیدگاه پوزیتیویست هاست.

گزاره دوم دیدگاه فلاسفه اسلامی مانند ابن سینا و فارابی است.

البته دیدگاه فیلسوفانی مانند ارسطو نیز همین است.

گزاره سوم، بیان دیدگاه سهروردی است.

گزاره چهارم، بیان دیدگاه بیشتر فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا و علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده اند.

گزاره پنجم نیز دیدگاه عموم فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا به تبیین کامل آن پرداخت.

حال و آینده از آن کسانی است که می اندیشد و اندیشه خود را علی می سازند.

تهیه و تنظیم سید احمد صمدانی از استان آذربایجان شرقی